

« به نام او ، به یاد او، برای او »

« قواعد درس پنجره ( جملته فعلیه و اسمیه ) »

« جزوه درسی : پایه دهم »

« پیش دخترانه : مهرنامی »

« تهیه و تنظیم : فدایی / دبیر دبیرستان های تیزهوشان »

« سال تحصیلی : ۹۶ - ۹۷ »

## « قواعد درس پنجره » : « هذا خلق الله »

□□ جمله در زبان عربی به دو شکل دیده می شود : ۱- جمله ی فعلیه ۲- جمله ی اسمیه

(۱) **جمله فعلیه :** به جمله ای که با هر نوع فعل ( ماضی - مضارع - امر - نهی و ... ) شروع شود و دارای دو رکن اصلی ؛ ۱- فعل ۲- فاعل

باشد، « **جمله فعلیه** » گفته می شود.

(۱) **فعل :** کلمه ایست که انجام دادن کاری و یا روی دادن حالتی را در زمان مشخصی به ما نشان می دهد. ( همانطور که گفته شد ؛ ماضی - مضارع - امر )

(۲) **فاعل :** کلمه ای که انجام دهنده و کننده ی کار است و برای یافتن آن در جمله باید از دو سوال « **چه کسی ؟** » و « **چه چیزی ؟** » استفاده شود.

\* جایگاه « **فاعل** » همواره بعد از فعل بوده ( ممکن است بلافاصله بعد از فعل و ممکن با فاصله از فعل )

و علامت آن همواره « **مرفوع** » بادال ، بدون دال / « **ان** » در اسم مثنی / « **ون** » در جمع مذکر سالم ) می باشد. مثال :

- يَذْهَبُ الطَّالِبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ . ( الطَّالِبُ ؛ فاعل و مرفوع )  
- لَا يَسْتَكْسِلُ التَّلْمِيذُ فِي قِرَاءَةِ دُرُوسِهِ . ( التَّلْمِيذُ ؛ فاعل و مرفوع )

### انواع فاعل در زبان عربی :

(۱) **اسم ظاهر :** به اسمی که همواره بعد از فعل، به عنوان انجام دهنده و کننده ی کار به صورت نمایان دیده می شود، فاعل از نوع « **اسم ظاهر** » گفته می شود.

که فقط در صیغ های ۱ و ۴ همه ی فعلها معمولاً فاعل از نوع « **اسم ظاهر** » می باشد.

( **به هر اسمی به غیر از « ضمیر »** [ اسم های اشاره - اسم های عام و یا خاص - اسم های موصول و ... ] . مثال :

- يَجْتَهِدُ عَلِيٌّ فِي دُرُوسِهِ ( عَلِيٌّ ؛ فاعل از نوع اسم ظاهر )  
- يُدَافِعُ الْمُؤْمِنُ عَنِ وَطَنِ الْإِسْلَامِيِّ ( الْمُؤْمِنُ ؛ فاعل از نوع اسم ظاهر )

- ذَهَبَتْ هَذِهِ التَّلْمِيذَةُ إِلَى الْبَيْتِ ( هَذِهِ ؛ فاعل از نوع اسم ظاهر )  
- سَلَّمَ طَالِبٌ إِلَى مُعَلِّمِنَا ( طَالِبٌ ؛ فاعل از نوع اسم ظاهر )

(۲) **ضمیر بارز ( آشکار ) :** همان شناسه ها یا علامتهای موجود در فعلهاست که در صرف صیغه های افعال دیده می شود.

مثال :

ت	ت	—	—
ا	ا	تُ	تُ
و	ن	تُم	تُن

الف) **در فعل ماضی :** به جز صیغه های « ۱ و ۴ » ( للغائب و للغائبة ) عبارتند از :

- أَيُّهَا الطَّالِبُ ! نَجِّحْتُمْ فِي إِمْتِحَانَاتِكُمْ ( فاعل : ضمیر بارز « تُم » در فعل « نَجِّحْتُمْ » )

- هُمْ عَبْدُوا اللَّهَ بِالْأَخْلَاصِ ( فاعل : ضمیر بارز « واو » در فعل « عَبْدُوا » )

ب) **در فعل « مضارع » و متعلقاتش** ( آنچه که از مضارع ساخته می شود ) :

مثال :

ی	—	—	—
—	ا	ا	ا
—	و	و	و

به جز صیغه های « ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ » بقیه صیغه ها عبارتند از :

- الْمُسْلِمُونَ يَجْتَمِعُونَ فِي الْمَسْجِدِ ( فاعل : ضمیر بارز « واو » در فعل « يَجْتَمِعُونَ » )

- الطَّالِبَاتُ يَكْتُبْنَ دُرُوسَهُنَّ بِدِقَّةٍ ( فاعل : ضمیر بارز « نون » در فعل « يَكْتُبْنَ » )

(۳) **ضمیر مستتر ( پنهان ) :** فاعل در دو حالت از نوع مستتر است :

الف) **صیغه های « ۱ و ۴ »** در همه ی افعال ( ماضی - مضارع و ... ) ، **به شرطی که فاعلشان اسم ظاهر نباشد**، فاعل از نوع « **ضمیر مستتر** » خواهد بود. ( **جائز الإستار** )

یعنی در صیغه ی « ۱ » همه ی فعلها ؛ « **هُوَ مستتر** » و در صیغه ی « ۴ » همه ی فعلها ؛ « **هِيَ مستتر** » می باشد.

ب) لازم به ذکر است که در این صیغه ها **اولویت** نوع فاعل با « **اسم ظاهر** » است. و در صورت عدم وجود فاعل از نوع اسم ظاهر، فاعل « **مستتر** » می باشد. مثال :

- الطَّالِبُ كَتَبَ ( يَكْتُبُ ) الدَّرْسَ ( فاعل : ضمیر مستتر « هُوَ » )  
- الطَّالِبَةُ كَتَبَتْ ( تَكْتُبُ ) الدَّرْسَ ( فاعل : ضمیر مستتر « هِيَ » )

ب) در صیغه های « ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ مضارع و متعلقاتش » قطعاً فاعل از نوع « **مستتر** » می باشد. ( **واجب الإستار** ). مثال :

- أَيُّهَا الطَّالِبُ ! تَجْتَهِدُ فِي دُرُوسِكَ ( فاعل : ضمیر مستتر « أَنْتَ » )  
- أَكْتُبُ دُرُوسِي فِي الْمَدْرَسَةِ ( فاعل : ضمیر مستتر « أَنَا » )

۴ اصل (ع) بسیار مهم در جمله فعلیه :

- ۱) هر فعل در زبان عربی فقط یک فاعل دارد و بس.
- ۲) جایگاه فاعل در جمله همواره بعد از فعل می‌باشد. ( بدون فاصله از فعل یا با فاصله از آن )
- ۳) فعل باید از نظر « جنس » از فاعل خود تبعیت کند.
- ۴) در فعل‌های مجهول « نائب فاعل » برای فعل مجهول و در افعال ناقصه « اسم فعل ناقصه » برای فعل ناقصه دقیقاً در حکم « فاعل » برای فعل معلوم و تام می‌باشند و همه‌ی احکام و قواعد آن‌ها مانند فاعل می‌باشد. ( اسم ظاهر و ضمیر بارز و ضمیر مستتر )

نکته ۱: هرگاه فاعل جمله از نوع اسم ظاهر باشد، « فعل جمله » به صورت مفرد می‌آید که در این حالت فقط فعل جمله از نظر « جنس » با فاعل خود مطابقت دارد. [ در ۶ صیغه غائب ( ماضی و مضارع و متعلقاتش ) اگر فاعل جمله از نوع « اسم ظاهر » باشد، فعل اول جمله باید مفرد بیاید. ] مثال :

- اجْتَهَدَ الطَّالِبُ فِي دروسِهِ.
- اجْتَهَدَتِ الطَّالِبَةُ فِي دروسِهَا.
- اجْتَهَدَ الطَّالِبَانِ فِي دروسِهِمَا.
- اجْتَهَدَتِ الطَّالِبَتَانِ فِي دروسِهِمَا.
- اجْتَهَدَ الطَّالِبَاتُ فِي دروسِهِنَّ.
- اجْتَهَدَتِ الطَّالِبَاتُ فِي دروسِهِنَّ.

۳) مفعول به : در جملاتی که فعل آنها متعدی است ( گذراست ) یک اسم منصوب؛ ( با « ال » بدون « ال » / « ین » در اسم منثی / « ین » در جمع مذکر سالم ) که معمولاً بعد از فاعل می‌آید و انجام کار توسط فاعل بر روی آن واقع می‌شود.

- \* لازم به ذکر است که یکی از راههای به دست آوردن مفعول به در جمله مطرح کردن دو سوال « چه کسی را ؟ » و « چه چیزی را ؟ » می‌باشد. مثال :
- كَتَبَ الطَّالِبُ التَّمَارِينَ فِي الْبَيْتِ : ( التَّمَارِينَ : مفعول به و منصوب ) ؛ چه چیزی را نوشت ؟ ( تمارین را )
- شَاهَدَ الْمُعَلِّمُ تَلَامِيذَهُ فِي الصَّفِّ : ( تَلَامِيذَهُ : مفعول به و منصوب ) ؛ چه کسانی را مشاهده کرد ؟ ( دانش‌آموزان را )

انواع مفعول در زبان عربی :

- ۱) اسم ظاهر : به هر اسمی غیر از ضمیر مفعول به از نوع « اسم ظاهر » گفته می‌شود. ( اسم اشاره - اسامی شرط - موصولات و ... ) . مثال :
- يَغْفِرُ اللهُ جَمِيعَ الذُّنُوبِ : ( جَمِيعَ : مفعول به و منصوب )
- خَلَقَ اللهُ هَذِهِ الْمَخْلُوقَاتِ : ( هَذِهِ : مفعول به و منصوب )

۲) ضمیر : اگر این ضمایر ؛

هُ	هَا	كَ
هُمَا	هُمَا	كُما
هُنَّ	هُنَّ	كُنَّ
هُمَّ	هُنَّ	كُنَّ
هُنَّ	هُنَّ	كُنَّ
هُنَّ	هُنَّ	كُنَّ

مثال :

- نَصَرَ كُمْ اللهُ ..... : ( ضمیر « كُمْ » ؛ مفعول به )
- يُسَاعِدُكَ وَالِدُكَ فِي الشَّدَائِدِ : ( ضمیر « كَ » مفعول به )

نکته ۲: ضمایر ؛

إِيَّاهُ	إِيَّاهَا	إِيَّايَ
إِيَّاهُمَا	إِيَّاهُمَا	إِيَّايَكُمَا
إِيَّاهُنَّ	إِيَّاهُنَّ	إِيَّايَكُنَّ
إِيَّاهُمْ	إِيَّاهُنَّ	إِيَّايَكُنَّ
إِيَّاهُمْ	إِيَّاهُنَّ	إِيَّايَكُنَّ
إِيَّاهُمْ	إِيَّاهُنَّ	إِيَّايَكُنَّ

مثال :

- إِيَّايَ عَبُدْ : ( ضمیر « إِيَّايَ » مفعول ) ؛ فقط تو را می‌پرستیم.
- إِيَّايَ فَاعْبُدُونِي : ( ضمیر « إِيَّايَ » مفعول ) ؛ فقط من را بپرستید.

@Arabicfadaei / تلگرام

@Arabicfadaei / تلگرام

@Arabicfadaei / تلگرام

(۲) **جمله اسمیه :** به جمله ای که با هر نوع اسمی شروع شود ( ضمیر - اسم اشاره - اسم استفهامی - شرط موصول و... ) « **جمله اسمیه** » گفته می‌شود، که دارای دو رکن « مبتدا » و « خبر » می‌باشد.

(۱) **مبتدا :** اسمی است که غالباً شروع کننده‌ی جمله بوده و اعراب آن « مرفوع » **بِـ** / **بِـ** « ان » در اسم مثنی / « ون » در جمع مذکر سالم ( می‌باشد. با « ال ، بدون « ال »

و نیاز دارد در مورد آن توضیحی داده شود. در ضمن غالباً **معرفه** است ( مبتدا می‌تواند یک اسم عام یا خاص یا ضمیر و یا اسم اشاره و .... باشد ). مثال :  
 - الطَّالِبُ نَاجِحٌ : ( الطَّالِبُ ؛ مبتدا ) - هُوَ يُعَلِّمُ الدَّرْسَ : ( هُوَ ؛ مبتدا )  
 - هَذَا التَّلْمِيزُ فِي الْمَدْرَسَةِ : ( هَذَا ؛ مبتدا )

(۲) **خبر :** کلمه یا عبارتی است که غالباً بعد از مبتدا می‌آید و در مورد مبتدا توضیح داده و در نهایت معنای جمله را کامل می‌کند و اعراب آن نیز « مرفوع » **بِـ** / **بِـ** « ان » در اسم مثنی / « ون » در جمع مذکر سالم ( می‌باشد. مثال :  
 - کلمات و عبارت « نَاجِحٌ - يُعَلِّمُ - فِي الْمَدْرَسَةِ » در مثالهای بالا « خبر » محسوب می‌شوند.

### انواع خبر در جمله اسمیه :

(۱) **خبر مفرد : یک تک اسم** است که معنای مبتدا و در نهایت جمله را کامل می‌کند. ( این تک اسم می‌تواند ؛ مفرد - مثنی - جمع و مذکر و یا مؤنث باشد )  
 - أَشْجَارُ الْحَدِيقَةِ **بَاسِقَةٌ** : ( باسقةٌ ؛ خبر مفرد ) - الْمَجَاهِدَةُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ **مَحْمُودٌ** : ( محمودٌ ؛ خبر مفرد ) - هَذَا الْكِتَابُ **مُفِيدٌ** جَدًّا : ( مفیدٌ ؛ خبر مفرد )  
 (۲) **خبر از نوع جمله :**

**الف) جمله فعلیه :** اگر بعد از مبتدا **یک فعل به همراه فاعل** خود معنای فاعل را کامل کند، به مجموع آن فعل و فاعل، خبر از نوع « **جمله فعلیه** » گفته می‌شود.  
 - التَّوَاضُعُ **يَرْفَعُ** قِيمَةَ الْإِنْسَانِ : ( يَرْفَعُ ؛ خبر از نوع فعلیه )  
 - الطَّالِبَتَانِ **نَجَحَتَا** فِي دَرَسِهِمَا : ( نَجَحَتَا ) ( خبر از نوع فعلیه )

**ب) جمله اسمیه :** اگر بعد از مبتدا **یک جمله به عنوان خبر بیاید که خود دارای مبتدا و خبر باشد**، به مجموع مبتدا و خبر **دوم** ، خبر از نوع « **جمله اسمیه** » گفته می‌شود. ( در خبر از نوع اسمیه همواره یک ضمیری [ بارز یا مستتر ] وجود دارد که مرجع آن مبتدای اول می‌باشد ). مثال :

- الطَّالِبَةُ **قَلْبُهَا طَاهِرٌ** : ( الطَّالِبَةُ ؛ مبتدا - قَلْبُهَا طَاهِرٌ ؛ خبر از نوع اسمیه ( **قَلْبُهَا + طَاهِرٌ** : مبتدا + خبر )  
 - اللِّسَانُ **جَرْمُهُ صَغِيرٌ** : ( اللِّسَانُ ؛ مبتدا - جَرْمُهُ صَغِيرٌ ؛ خبر از نوع اسمیه ( **جَرْمُهُ + صَغِيرٌ** : مبتدا + خبر )

(۳) **خبر از نوع شبه جمله :** هرگاه بعد از مبتدا یک ترکیب « **جار و مجرور** » یا یک « **ظرف زمان یا مکان** » ( قید زمان یا مکان ) قرار گیرد و معنای مبتدا را کامل کند، به آن ترکیب « **جار و مجرور** » « **شبه جمله** » گفته می‌شود. مثال :  
 - الطَّالِبُ **فِي الْمَدْرَسَةِ** : ( فِي الْمَدْرَسَةِ ؛ خبر از نوع شبه جمله )  
 - الطَّائِرُ **فِي السَّمَاءِ** . ( فِي السَّمَاءِ ؛ خبر از نوع شبه جمله )

□ **نکته ۳ :** لازم به ذکر است که اولویت آمدن خبر در جمله اسمیه ؛ ۱- مفرد ۲- جمله فعلیه ۳- جمله اسمیه ۴- شبه جمله می‌باشد.

□ **نکته ۴ :** هرگاه خبر در جمله اسمیه از نوع **شبه جمله** باشد و مبتدا اسمی **نکره** باشد، **باید** خبر بر مبتدای خود مقدم خود شود، که در اینصورت به خبر « **خبر مقدم** » و به مبتدا « **مبتدای مؤخر** » می‌گویند.

اما اگر مبتدا اسمی **معرفه** باشد و خبر باز هم از نوع **شبه جمله**، می‌تواند مقدم شود و می‌تواند مقدم نشود. مثال :

- فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ ✓ - طَالِبٌ فِي الْمَدْرَسَةِ \* - الطَّالِبُ فِي الْمَدْرَسَةِ ✓ - فِي الْمَدْرَسَةِ الطَّالِبُ ✓

□ **نکته ۵ :** هرگاه جمله با یک ترکیب **جارو مجرور** شروع شود و بعد از آن یک **اسم نکره** ( بدون ال و بدون مضاف الیه ) بیاید،

**قطعاً** خبر « **مقدم** » بوده و مبتدای جمله « **مؤخر** » است. ولی اگر مبتدا **معرفه** باشد باید به ادامه‌ی جمله دقت کنیم. در صورتی که ادامه‌ی جمله یک **اسم مرفوع** یا **جمله** ( فعلیه - اسمیه ) آمده باشد، اولویت برای تعیین خبر با این دو نوع می‌باشد. مثال :

- فِي الْمَكْتَبَةِ كِتَابٌ مُفِيدٌ : ( فِي الْمَكْتَبَةِ ؛ خبر مقدم - كِتَابٌ ؛ مبتدای مؤخر )

- فِي الْمَكْتَبَةِ الْكِتَابُ مُفِيدٌ : ( الْكِتَابُ ؛ مبتدا - مُفِيدٌ ؛ خبر مفرد )

نکته ۶ □ : در جمله‌ی اسمیه یک مبتدا ممکن است چند خبر داشته باشد. مثال : اللهُ عَفْوَرٌ رَحِيمٌ : عَفْوَرٌ ؛ خیر ۱ - رَحِيمٌ ؛ خبر ۲ )

نکته ۷ □ : هرگاه خبر جمله از نوع « مفرد » باشد، در صورتی که اسم بر وزن‌های « اسم فاعل و اسم مفعول » باشد باید در « جنس و تعداد » با مبتدای

خود مطابقت داشته باشد. ولی اگر بر وزن این اسامی نبود، لزومی به مطابقت وجود ندارد.

- الطَّالِبُ نَاجِحٌ : ( تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد )  
- الطَّالِبَةُ نَاجِحَةٌ : ( تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد )

- الطَّالِبَانِ نَاجِحَانِ : ( تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد )  
- الطَّالِبَتَانِ نَاجِحَتَانِ : ( تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد )

- الطَّلَابُ نَاجِحُونَ : ( تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد )  
- الطَّالِبَاتُ نَاجِحَاتٌ : ( تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد )

- الغیبةُ حَرَامٌ : ( خبر مفرد، جامد است )  
- النبیُّ رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِینَ : ( خبر مفرد، جامد است )  
- العِلْمُ عَلَمَانٌ : ( خبر مفرد، جامد است )

نکته ۸ □ : اگر در جمله‌ی اسمیه خبر از نوع « فعلیه » باشد، باید در صیغه ( جنس و تعداد ) از مبتدای خود تبعیت کند. مثال :

- الطَّالِبُ یَنْجِحُ ( نَجَحَ ) : ( تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه )  
- الطَّالِبَةُ تَنْجِحُ ( نَجَحَتْ ) : ( تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه )

- الطَّالِبَانِ یَنْجِحَانِ ( نَجَحَا ) : ( تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه )  
- الطَّالِبَتَانِ تَنْجِحَانِ ( نَجَحَتَا ) : ( تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه )

- الطَّلَابُ یَنْجِحُونَ ( نَجَحُوا ) : ( تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه )  
- الطَّالِبَاتُ یَنْجِحْنَ ( نَجَحْنَ ) : ( تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه )

نکته ۹ □ : گاهی مبتدا و خبر ( نهاد و گزاره ) و فاعل و مفعول، بعد از خودشان ؛ صفت یا مضاف الیه می‌گیرند، یعنی خودشان موصوف یا مضاف

واقع می‌شوند. مثال :

- صُدُورُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ : ( صُدُورٌ : مبتدا / الْأَحْرَارُ : مضاف الیه - قُبُورٌ : خبر / الْأَسْرَارُ : مضاف الیه )

- یَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ التَّقْوَى : ( الْفَلَّاحُ : فاعل / الْمَجْدُ : صفت - أَشْجَارَ : مفعول / التَّقْوَى : مضاف الیه )

@Arabicfadaei / تلگرام

### ♦ فُنُّ التَّرْجَمَةِ ♦

اگر حروف « أَنْ - كَيْ - لِي - حَتَّى » بر سر فعل‌های مضارع بیایند، به صورت زیر ترجمه می‌شوند :

(۱) « أَنْ + فعل مضارع = که، اینکه + مضارع التزامی » : مثال : أَنْ یَغْفِرَ : که / اینکه بیامرزد.

(۲) « كَيْ - لِي - حَتَّى + فعل مضارع = تا / تا اینکه / برای اینکه + مضارع التزامی » : مثال : لِيغْفِرَ : تا / تا اینکه / برای اینکه بیامرزد.

محل یادداشت نکات

تمرین ۱ : محلّ اعرابی کلمات مشخص شده را تعیین کنید :

- ۱) وَجَدَ الْفَلَّاحُ أَعْشَابًا طَيِّبَةً عَلَى الْجَبَلِ ! :
- ۲) الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ ! :
- ۳) الطَّاوُوسُ مِنَ الطَّيُورِ الْمَائِيَةِ تَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ تَلْجِيَةِ ! :
- ۴) اشْتَرَى وَالِدِي لِأَخْتِي الصَّغِيرِ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ ! :
- ۵) أَنْصَحُكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابٍ حَوْلَ طُرُقِ تَقْوِيَةِ الذَّاكِرَةِ ! :
- ۶) لَدَيْنَا زَمِيلٌ ذَكِيٌّ قَفَزَ مِنَ الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الثَّلَاثِ ! :
- ۷) الدَّهْرُ يَوْمَانِ ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ ! :
- ۸) حُزِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي قُلُوبِهِمْ لَا فِي وُجُوهِهِمْ ! :
- ۹) الْمُسْلِمُ مَنْ سَلَّمَ النَّاسَ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ ! :
- ۱۰) فِي سَفَرِنَا انْفَصَلَ بَعْضُ الْأَصْدِقَاءِ وَ شَكَّلُوا فِتْنَةً جَدِيدَةً ! :
- ۱۱) أَحَبُّ أَصْدِقَائِي مَنْ يُسَاعِدُنِي فِي الشَّدَائِدِ ! :
- ۱۲) الْأُمُّ نَصَحْتَنِي مَسَاءً عَنِ الْأَعْمَالِ الْيَوْمِيَّةِ وَ وَاجِبَاتِي الْمَدْرَسِيَّةِ ! :
- ۱۳) هَذِهِ الْمَنَاطِرُ الْجَمِيلَةُ قَدْ رَسَمَهَا رَسَامٌ حَازِقٌ ! :
- ۱۴) أَحْسَنُ شَيْءٍ تَعَلَّمْتُهُ مِنْ أَسْتَاذِي هُوَ الْإِنْسَانِيَّةُ ! :
- ۱۵) مَنَحَنِي مَعَلِّمِي هَدِيَّةً لَأَتَى قِمْتَ بِحَلِّ الْأَسْئَلَةِ فِي الصَّفِّ ! :
- ۱۶) نَسَمَى هَذَا الْعَالَمَ عَادِلًا، لِأَنَّهُ يَقُومُ بِإِدَاءِ حَقِّ التَّلَامِيذِ بِدَقَّةٍ ! :
- ۱۷) بِفَضْلِ عِلْمَانِنَا الْمُسْلِمِينَ تَقَدَّمْنَا فِي الْعِلْمِ وَ الْفِكْرِ كَثِيرًا ! :
- ۱۸) نَجَحْتَ صَدِيقَتِي فِي إِمْتِحَانِ دَرَسِ الْفِيزِيَاءِ بِمُسَاعَدَتِي ! :
- ۱۹) خَيْرُ الْأَعْمَالِ لَكَ هُوَ مَا يَقْرَبُكَ مِنَ الْكَمَالِ وَ السَّعَادَةِ ! :
- ۲۰) شَبَابُ بِلَادِنَا الْمَجْدِيِّينَ يُحَاوِلُونَ فِي سَبِيلِ الْمَجْدِ ! :